



### ترورو در جست‌وجوی «آتلانتیس»

سازنده «دنیای ژوراسیک» سراغ «آتلانتیس» و ماجراجویی‌های خاص آن می‌رود و آتلانتیس را برای شرکت یونیورسال کارگردانی می‌کند. کالین ترورو که با کارگردانی قسمت آخر مجموعه اکشن و دلهره‌آور پارک ژوراسیک موفقیت زیادی به‌دست آورد، در کار تازه‌اش وارد دنیای فانتزی و ماجراجویی می‌شود. داستان فیلم جدید ترورو درباره شهری است که برای بسیاری حکم مدینه فاصله را دارد و قرن‌ها پیش، در زیر آب‌های اقیانوس دفن شد. / هالیوودریپورتر

### فیلم «جودی» با بازی رنی زلوگر توانسته

### نظر مثبت مخاطبان و منتقدان را به دست بیاورد

# بازی در نقش بازیگر

بازگشت بازیگر مطرح يك دهه قبل سینما با يك درام اجتماعی شرح حال‌گونه، موفقیت‌های زیادی برایش به ارمغان آورد. درام «جودی» اگر يك نفر را از خود منتفع کرد، او همان رنی زلوگر است. اصلا این فیلم با نام او شناخته می‌شود و تمام موفقیت‌های آن به نام او نوشته می‌شود. این در حالی است که داستان فیلم، اختصاص به یکی از جنجالی‌ترین و محبوب‌ترین ستارگان کلاسیک هالیوود دارد. جودی گارلند که در این درام شرح حال‌گونه توسط زلوگر به تصویر کشیده شده، از جمله هنرمندانی است که زندگی و کارهایش در حاله‌ای از ابهام قرار گرفت و شرح حال نویسان برای نگارش کتاب درباره او، با دردسرها و مشکلات زیادی روبه‌رو شدند. این در شرایطی است که گارلند در مقاطع مختلف زندگی خود، تصاویر متفاوتی از خودش به نمایش گذاشت و شخصیتی چندوجهی داشت. با این حال، سازندگان جودی در فیلم خود دوران زندگی او را بسیار محدود کرده و فقط به یکی از بخش‌های مهم زندگی و فعالیت‌های او در سال‌های پایانی عمرش می‌پردازند. زمانی که نام جودی گارلند می‌آید، دوستداران سینما بلافاصله به یاد دو مقطع مهم و سرنوشت‌ساز از زندگی او می‌افتند: اولی حضور دخترکی کم سن و سال در درام کلاسیک «جادوگر شهر از» و دومی زنی پرخاشگر و مخالف استبداد در دوران سیاه مک کارتیسم. فیلم جودی در قسمت‌هایی به بخش اول می‌پردازد، اما کوچک‌ترین اشاره‌ای به مورد دوم نمی‌کند.

روپرت گولد، کارگردان جودی در درام اجتماعی خود، يك سال آخر زندگی گارلند را به نمایش می‌گذارد. فیلمنامه اقتباسی او برگرفته از نمایشی موفق و معروف و نامزد دریافت جوایز تونی (اسکار تئاتری) به نام پایان رنگین‌کمان است که مدت‌ها در دو مرکز

معتبر تئاتری آمریکا و انگلستان برادوی و وست‌اند لندن روی صحنه بود. پیتز کویتلر، کارگردان این نمایش موفق در تولید نسخه سینمایی نقش و همکاری نداشت. داستان فیلم در سال ۱۹۶۸ اتفاق می‌افتد، زمانی که گارلند بی‌پول است و کسی در

### گفت‌وگوی رنی زلوگر باگاردین

# به‌باور خودم بهترین انتخاب را کردم

از بازگشت دوباره او صحبت می‌شود. در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، غیبتی شش ساله داشت. اما از بازگشتش به عنوان توفان اسم برده می‌شود. بلافاصله بعد از نمایش عمومی جودی، همگان تصدیق کردند با شروع فصل اهدای جوایز او تمامی جوایز رشته بهترین بازیگر زن را با خود به خانه خواهد برد. جودی گارلند در سومین فصل و دوره زندگی خود بود، که به صورت سوزه‌ای سینمایی و تئاتری درآمد. اکثر منتقدان روی این نکته متفق القول هستند که شاید هیچ بازیگر دیگری جز رنی زلوگر نمی‌توانست چهره و تصویری تا این اندازه دقیق از روحیات و رفتار گارلند را در جلوی دوربین به تصویر بکشد. برای زلوگر حالا جودی گارلند موجودی بسیار مهم و تأثیرگذار است. بازی در نقش این هنرمند افسانه‌ای، زلوگر را به جایی رساند که شاید خودش هم تصورش را نمی‌کرد.

زمانی که پیشنهاد بازی در نقش جودی گارلند را دریافت کردید، واکنش‌تان چه بود؟

تهیه‌کننده فیلم، فیلمنامه را برابرم فرستاد. وقتی آن را خواندم، به نظرم بسیار زیبا و دلپذیر آمد. خوشحال بودم که آنها می‌خواهند داستان گارلند را تعریف کنند، اما تعجب کردم چرا فیلمنامه را برای من فرستاده‌اند. اصلا فکر نمی‌کردم کسی مثل من قرار باشد نقش جودی را بازی کند. تهیه‌کننده مرا به لندن دعوت کرد و گفت بهتر است با هم حرف بزنیم. می‌خواست رودرو برابرم توضیح دهد، چرا فکر می‌کند من بازیگر مناسبی برای این نقش هستم و انگیزه‌هایش از تعریف این داستان را شرح دهد. در عین حال، می‌خواست نظر مرا به‌عنوان يك بازیگر بداند که آیا اصلا انجام چنین کاری (ساخت فیلمی درباره گارلند) کار درستی است یا نه. این طور بود که ماجرا شروع شد و من درگیر آن شدم.

درخواستی هم از شما کرد؟

یکسری از اجراهای گارلند را به من داد تا دقیقاً تماشا کنم. از من خواست تا حد امکان با شخصیت جودی آشنایی پیدا کنم و ببینم چه گذشته‌ای داشته است.

چه چیز شخصی باعث شد چنین ریسک خطرناکی کرده و در نقش يك افسانه سینمایی بازی کنید؟

خب، از هر نظر که نگاه کنید او يك پیشکسوت و پیشگام بود. او به گونه‌ای کار و تمرین می‌کرد که برای من ناشناخته است. در زمانه‌ای کار می‌کرد که شرایط بسیار سخت بود و به‌ویژه بازیگران زن، با مشکلات بسیار زیادی دست و پنجه نرم می‌کردند. برابرم خیلی جالب بود که آزادانه و راحت دیدگاه‌هایش را بیان می‌کرد. به‌خوبی از قدرتی که داشت آگاه بود و کاری وجود نداشت که نتواند انجام دهد. حقیقتاً يك منبع الهام برای تمام بازیگران زن بعد از خود بوده است. اورجینال بود و جایگاهی برای خودش فراهم کرد که متعلق به خودش بود. به نظرم تصمیمش برای بازسازی و احیا و قبول اجرای برنامه‌ای زنده در آن سن و سال، نقطه عطفی در زندگی و

### «هیولا‌های کوچک» کولی

«هیولا‌های کوچک» قرار است يك درام اکشن خانوادگی و ترسناک باشد که توسط جاش کولی کارگردانی خواهد شد. کولی همان کسی است که چهارمین قسمت انیمیشن موفق «داستان اسباب‌بازی» را ساخت. برای همین، از حالا همه امیدوارند او در کار تازه‌اش، يك اثر تماشایی و جذاب ارائه کند. اطلاعاتی از داستان فیلم در دست نیست، اما شنیده می‌شود يك هیولای باستانی در محور ماجراهای آن قرار دارد. / موزیز

#### چه خبر از مک‌کارتیسم؟

اما منتقدانی که بازی زلوگر را تحسین کردند، از بی‌تفاوتی داستان فیلم به دوران مك كارتیسم و تفتیش عقاید انتقاد کردند. به‌باور آنها اگر فیلم به این موضوع هم می‌پرداخت، بسیار بیشتر مورد توجه عموم تماشاگران و منتقدان سینمایی قرار می‌گرفت. گارلند در دورانی که کمپته تحقیقات فعالیت‌های ضدآمریکایی توسط سناتور مك كارتی (نماینده تندرو و جمهوریخواه مجلس کشور) با شعار مبارزه با نفوذ کمونیست‌ها در هالیوود دست به پاکسازی آن از تمام نیروهای مترقی و روشنفکر زد، در صف اول مبارزه با این ماجرا قرار داشت. نطق‌های آتشین او در جریان دادگاه و فعالیت کمپته، توجه مردم و محافل عمومی را به خود جلب کرده و تیتز اول رسانه‌ها را به خود اختصاص داده بود.

رنی زلوگر برای بازی در نقش بازیگر افسانه‌ای هالیوود، حدود يك سال تمرین کرد و تمام فیلم‌های گارلند را تماشا کرده و مطالب و مقالات مربوط به او را مطالعه کرد. در این مدت، روی صدای بازیگر هم کار شد. نکته جالب در مورد این دو بازیگر زن این است که سال درگذشت گارلند و سال تولد زلوگر یکی است! پیتز کویتلر، کارگردان نمایش پایان رنگین‌کمان بعد از تماشای فیلم، کار تام ادج، نویسنده فیلمنامه را تحسین کرد. با این حال او با نگاهی نقادانه اضافه کرد: «او می‌خواست لحن فیلم بیشتر به واقعیت نزدیک باشد. به همین خاطر، عناصر فانتزی موجود در نمایش را حذف کرد. با این حال، نسخه سینمایی هم نسخه‌ای دیدنی و جذاب است.»

# پارتی‌بازی نه!

است؟ آیا تعریف زندگی آنها روی پرده سینما، نوعی خودزنی به حساب می‌آید؟ منتقدان سینمایی می‌گویند ساخت درام‌های شرح حال‌گونه، به نوعی حرکت روی لبه تیغ است. در زندگی خصوصی و خانوادگی چهره‌های سرشناس و به قولی سلبریتی، نکات و چیزهایی وجود دارد که به احتمال زیاد خود آنها و نزدیکانشان علاقه‌ای به فاش شدن آنها ندارند. ساخت فیلمی درباره چهره‌های مشهور، آنها را زیر نورافکن و در معرض دید مستقیم مردم قرار می‌دهد و این چیزی نیست که به راحتی برای آن افراد قابل هضم باشد. در این میان، زندگی شخصی و حرفه‌ای هنرمندان سینما با جار و جنجال‌ها و رسوایی‌ها و شایعات بسیار زیادی همراه است و کدام تهیه‌کننده و فیلمسازی حاضر است با نمایش این مسائل، موقعیت هنری و حرفه‌ای خویش را به خطر بیندازد؟ حتی با نگاهی به درام‌های شرح حال‌گونه موجود، خیلی زود متوجه این نکته می‌شویم که داستان آن معمولاً بخش‌های مهم و مثبت زندگی این افراد را به تصویر می‌کشند. به این ترتیب، این فیلم‌ها خواسته یا ناخواسته از کنار بسیاری چیزها و مسائل مربوط به آن افراد می‌گذرند و چشمان خود را می‌بندند. تاریخ هالیوود تعداد بسیار کمی فیلم دارد که درباره زندگی یکی از این هالیودنشینان باشد. اگر مارتین اسکورسیزی و «هوانورد» او چند کار نه چندان موفق مثل «سپیگ» و «يك هفته با مارلین» را کنار بگذاریم، تنها می‌توان به کاری چون «روزی روزگاری در هالیوود» اشاره کرد. تازه در این فیلم هم کونتین تارانتینو روایت خودش از هالیوود و ماجرای قتل فجیع شارون تیت را به نمایش می‌گذارد. سینمای ایران هم که در زمینه تولید درام‌های شرح حال‌گونه به شدت فقیر و دست خالی است، در رابطه با شرح زندگی هنرمندانش روی پرده سینما فقیرتر عمل کرده است. این در حالی است که دو دهه قبل يك خواننده در «پر پرواز» در نقش خواننده‌ای غیر از خودش ظاهر می‌شود و در «مطرب» بازیگر معروف چند دهه اخیر سینما، در نقش خواننده‌ای لاله زاری بازی می‌کند که در آرزوی بازگشت به روی استیج است.



پرویز پرستویی در صحنه‌ای از «مطرب»

در تمام مشاغل و رشته‌ها چیزی به نام پارتی‌بازی وجود دارد و معنی‌اش این است که افراد شاغل در يك حرفه، کارهایی را به نفع همکاران خود انجام می‌دهند. در این حالت گفته می‌شود توجه بیشتری به حرفه مورد نظر شده و امتیازات ویژه‌ای برای افراد آن حرفه قائل می‌شوند. در این صورت، صنعت سینما در تولیدات شرح حال‌گونه‌اش باید توجه بسیار بیشتری به همکاران هنری خود داشته باشد و تعداد بیشتری فیلم درباره آنها و زندگی‌شان بسازد. اما آیا در عمل چنین است و ساخت فیلم‌هایی درباره هنرمندان در گونه درام‌های شرح حال‌گونه بیشتر از بقیه حرفه‌هاست؟ نگاهی به تولیدات سالانه سینمای آمریکا و بقیه کشورهای دنیا، پاسخ مثبتی به این پرسش نمی‌دهد. در حالی که فیلمسازان و صنعت سینما اشتیاق بسیار عجیبی برای به تصویر کشیدن زندگی خانوادگی و اجتماعی چهره‌های سرشناس عموم حرفه‌ها و مشاغل دارند، زمان تولید فیلم در ارتباط با همقطاران خود دست به عصا عمل می‌کنند.

هر سال تعداد زیادی درام‌های شرح حال‌گونه ساخته می‌شود و بازیگران و کارگردانان آنها، نامزد دریافت جوایز اسکار، بفتا، گلدن گلوب و... می‌شوند. این فیلم‌ها زندگی سیاستمداران، ورزشکاران، نویسندگان، فضانوردان و دیگر افراد سرشناس را به نمایش می‌گذارند. تمام این فیلم‌ها با اجازه کتبی این افراد یا وراث آنها وارد مرحله تولید می‌شوند و معمولاً بعد از اکران عمومی، کسی اعتراضی به نوع به نمایش گذاشتن چهره این افراد نمی‌کند.

اما بازیگران (و حتی فیلمسازان) همیشه بسیار مشهورتر و چهره‌تر از کسانی هستند که در بالا نامشان آمد. پس چرا درباره تمام آن افراد ذکر شده در بالا فیلم و مجموعه تلویزیونی تولید می‌شود، اما نوبت به هنرمندان سینما که می‌رسد چشمه آب خشکیده می‌شود؟ تا امروز کسی جوابی به این پرسش نداده است. حالا یا صاحب‌نظران جوابی برای این سؤال ندارند یا دارند و نمی‌خواهند آن را به زبان بیاورند. آیا تولید فیلم درباره این یا آن بازیگر و تهیه‌کننده و کارگردان معروف يك جور تابو